



وزارت اطلاعات با صدور بیانیه‌ای درباره حوادث رخ داده در مدارس کشور مطرح کرد

هراس افکنی با عوامل غیرسعی برای جبران ناکامی اغتشاشات

گزارش امنیتی

گروه سیاسی

تناسب اغتشاشات با حوادث مدارس

تسری می یابد و گزارشاتی مشابه از استان‌های دیگر واصل می‌شود. این گزارش‌ها تا هشتم اسفندماه ۱۴۰۱ رشدی با آهنگ ملایم و گاهی با رشد منفی همراه بود. اما از هشتم اسفند، با رشدی فرایزنده مواجه می‌شود و نهایتاً در چهاردهم اسفند به اوج خود می‌رسد. در تاریخ پانزدهم اسفند، رهبر حکیم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) موضعی آشکار، صریح و قاطع در قبال موضوع اتخاذ فرمودند. بیانات معظم‌له، از سویی تمرکز بیش از پیش دستگاه‌ها بر موضوع را در پی داشت و از سوی دیگر موجب حضور آشکارتر نیروهای حافظ امنیت در پیرامون محیط‌های آموزشی شد. طبیعی بود که همزمان شدن این عوامل با پایان اسفند ماه و تعطیلی مدارس، برای مدتی غائله را خاموش نماید. پس از بازگشایی مدارس در سال ۱۴۰۲، به‌طور چشمه و گریخته گزارش‌هایی از ادعای مسمومیت منتشر شدند که البته محدود و کم رقم‌تر از پیش بودند.

۲- در مقطعی که ادعاهای بدحالی روند صعودی داشتند و به موازات افزایش این قبیل گزارشات، ورود دستگاه‌های امنست کشور و موضوع نیز افزایش و تمرکز بر ابعاد آن سعی بیشتری می یافت. به‌تدریج بر روش و چاره‌اندیشی برای وقایع اعلام شده از دستگاه‌های مرتبط منطقه‌ای به شورای تأمین شهر و شهرستان و استان و در مرحله بعدی به شورای امنیت کشور و نهایتاً به شورای عالی امنیت ملی کشور کشیده شد. در تمام آن مقطع گزارش اقدامات و نتایج آن با یافته‌ها علاوه بر شوراهای پیش گفته، به استحضار مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و ریاست محترم جمهوری و دیگر سران قوا می‌رسید و دستورات آن مقامات مبتنی بر اولویت دادن به موضوع و گسترش و تعمیق اقدامات پیشگیرانه به اجرا گذاشته می‌شد.

۳- نوع رصد و پایش‌های اعمال شده از نخستین روزها، بسیار متنوع و فراگیر بود و با گذشت زمان، با گسترش اقدامات در سطح، واکاو هر چه بیشتر در عمق، پایش دقیق‌تر پشت صحنه‌ها، هم‌فرازایی دستگاه‌ها و تقسیم‌کار و انجام اقدامات مشترک و ترکیبی فرایزنده، همراهی شد. روش‌ها و ابزار اطلاعاتی، امنیتی، فنی، انتظامی و آزمایشگاهی متعدد، متنوع و گوناگون به کار گرفته شدند. علاوه بر بررسی‌های معطوف به صحنه‌ها و نمونه‌ها، به‌طور همزمان با تحت نظرداشتن کانون‌ها و سوزنه‌های مظنون و گستردن توره‌های متعدد امنیتی و پایش‌های متنوع فنی، تصویری و جمع‌آوری‌های تخصصی

اطلاعاتی از محیط‌های هدف، هرگونه و تعطیل نمودن کلاس‌ها بوده است. رصد قرار می‌گرفت. در مورد نمونه‌ها، همزمان با بررسی نمونه مواد مشکوفه در آزمایشگاه‌های معتبر کشور و وزارت بهداشت و درمان، همان نمونه‌ها در آزمایشگاه‌های ویژه وزارتخانه‌های اطلاعات و دفاع و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز مورد واکاوی قرار می گرفتند.

۴- علل و عوامل کشف شده در ایجاد یا احساس بدحالی در آموزشگاهها
در پی عملیات همه جانبه فوق‌الشاره، به‌طور متوالی علل بسیاری از رویدادها کشف و ثابت می‌شد که علت‌ها نه از گونه‌های پیچیده و مواد استفاده شده نه از نوع مسموم، بلکه غالباً مواد، ابزار و انگیزه‌های بسیار بسیطی موجب بروز ادعاهای بدحالی شده بودند. این عمل با پایان اسفندماه و گریخته چنان یافته‌هایی به سایر مصادیق گزارش شده تعمیم داده نمی‌شد بلکه هر گزارش، به‌طور جداگانه وجودی مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گرفت. به‌عنوان مثال نتیجه بررسی اولین حادته اعلام شده (دهستان‌های نور) حاکی بود که یکی از دانش‌آموزان دختر، با هدف به تعطیلی کشاندن آموزشگاه، گاز فلفل در کلاس درس منتشر کرده بود. از همین زمان نتایج پیرامون حوادث اعلام شده بعدی نیز حاصل می‌شد.
لاّ در ایجاد یا القای بدحالی در آموزشگاه‌های مختلف کشور ۵ دسته از عوامل کشف شدند که ذیلاً به اختصار مورد اشاره قرار می‌گردند:

۱-۴ بمبک بدبو: بخشی از موارد گزارش شده مربوط به استفاده از عاملی است که به «بمبک بدبو» معروف شده است. این عامل که یکی در بازار و بویژه در سکوهای خرید و فروش اینترنتی به فراوانی وجود داشت، پس از استعمال در محیط‌ها موجب پراکندن بوی نامطبوعی می‌شود و معمولاً بزیاری شوخی و تفریح‌های ناسالم و نامتعارف مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. در بررسی بازار خرید و فروش آن مشخص شد که در بازه زمانی حدوداً سه ماهه، سید نفر اقدام به خرید آن کرده و بازار خرید و فروش آن مشخص شد که در بازه زمانی خرید آن حدوداً سه ماهه، سید نفر اقدام به خرید آن کرده و بازار خرید و فروش آن مشخص شد به‌عنوان مسمومیت، جمعی شیمیایی یا بیوتوربیسم تلقی می‌شود ولی بررسی‌ها هیچ اثری از توکسین یا عامل شیمیایی را نشان نمی‌دهد و آنها، موجب ایجاد هراس شده بودند بازداشت شدند.

۲- ۴ افشانه‌های اشک‌آور: از دیگر موارد تعمدی، بهره‌برداری از افشانه‌های اشک‌آور و گاز فلفل و نظائر آن در محیط‌های آموزشی به

مختلف جهان) و مصادیق فراوانی دارد. از جمله در سال‌های ۱۹۶۲ و ۲۰۰۸ در تانزانیا؛ ۱۹۶۵ در انگلستان؛ ۱۹۷۶، ۱۹۸۸، ۲۰۰۲، ۲۰۱۱ در امریکا؛ ۱۹۸۳ در کرانه باختری؛ ۱۹۹۰ در کوووز؛ ۱۹۹۳ در مصر؛ ۲۰۰۶ در پرتغال؛ ۲۰۰۷ در برزیل؛ ۲۰۱۰ در برونسی؛ ۲۰۱۳ در سریلانکا و ۲۰۱۸ در امارات.

در کشورمان نیز مصادیقی از کرمان در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۱؛ بزد در سال ۱۳۷۳ و سردشت در سال ۱۳۸۱ وجود داشته است.

ذکنته قابل توجه آنکه در مصادیق ایرانی و جهانی علائم و عوارض مشابهی مطرح می‌شوند. همچنین بیشترین فراوانی در عامل شروع کننده، وجود یک بو در محیط یا ادراک بویایی غیرواقعی، شروع‌کننده ایجاد هراس جمعی بوده. مکان رخداد این پدیده غالباً، مدرسه بوده است. سن غالب، زیر ۲۰ سال؛ جنسیت مبتلایان به این عارضه غالباً در دختران بوده است. مدتی پس از آغاز رویدادهای ماه‌های گذشته در مدارس کشور، تعدادی از حاذق‌ترین پزشکان و روانشناسان ایرانی، بررسی‌های جمعی را مطرح کردند. بررسی‌های دقیق میدانی، آزمایشگاهی و معاینات بالینی صحت این فرضیه را برای تعداد قابل توجهی از مدارس اثبات کرد.

۵- یافته‌های میدانی، آزمایشگاهی و نتایج بررسی‌های ستادی و مطالعات آماری وقایع

۱-۵ در هیچ یک از یافته‌های صحنه‌ای و بررسی‌های آزمایشگاهی در معتبرترین آزمایشگاه‌های کشور، هیچگونه ماده سمی که قابلیت ایجاد مسمومیت را دارا باشد، مشاهده نشد.

۲-۵ به فضل الهی هیچ مورد فوتی یا عوارض جسمانی مانا و بلند مدت وجود نداشته است.

در اکثر قریب به اتفاق روش‌های درمانی اعمال شده برای مرخصینی که اعلام بدحالی کرده و به درمانگاه‌های مختلف مراجعه کرده‌اند، صرفاً درمان‌هایی در حد دریافت اکسیژن، سرم و داروهای آرامبخش بوده است. ۴-۵ میانگین حضور مراجعین در درمانگاه‌ها حدود دو ساعت بوده است و تعداد بسیار اندکی از آنها بستری کوتاه‌مدت داشتند (آن‌هم به‌دلیل اضطراب).

۵-۵ اظهارات متفاوت دانش‌آموزان
یک کلاس از مشاهدات، بوهای اشتشمامی یا عوارض جسمانی قابل تأمل بود (مثلاً در مورد جامد، مایع یا گاز بودن مواد اشاره شد؛ رنگ مواد؛ بوی مواد؛ تنوع عوارض اعلامی و…)، ۵-۵ حالات سرایت ادعاها از امکان نزدیک به یک‌دگر (عامل مجبوراً) به گونه‌ای که با ادعای بدحالی در یک کلاس، دانش‌آموزان کلاس دیگر نیز از اطلاع و وضعیت آن کلاس، و اعلام بدحالی کرده‌اند، در حالی که کلاس‌های غیرمطلّع، هیچ مشکلی را اعلام نکرده‌اند.

۷-۵ از نکات بسیار قابل تأمل اینکه در اکثر قریب به اتفاق موارد، ادعای بدحالی متخص دانش‌آموزان بررسی‌ای و مصادیق بسیار نادر و انگشت‌شماری از اعلام مسمومیت در کادر آموزشی یا عوامل خدماتی

مدارس گزارش شده است. **۸-۵** تمش‌های (یکی از عوامل اثبات شده به تعداد قابل توجه، بوده است. در بررسی انگیزه‌های پیش‌گفته یا هدف ایجاد نارضایتی یا دامن‌زدن به انگاره ضعف امنیت در کشور، ایجاد التهاب و آشوب و اعتراض‌به‌منظور فیلم‌برداری و انعکاس به شبکه‌های فارسی‌زبان معاند و یا با هدف ایجاد تجمع در مقابل آموزشگاه‌ها صورت گرفته است. عوامل این قبیل موارد غالباً بازداشت و تحویل موقوف قضایی شدند.

۵-۴ عامل هراس جمعی: هراس جمعی (هیستری جمعی) شکلی از اختلال روانزاد است که معمولاً از یک نفر شروع و به سرعت در جمعی از افراد منتشر می‌شود. این اختلال زمانی رخ می‌دهد که افراد یک اجتماع به‌طور همزمان تحت تأثیر یک محرک تشنش‌زا واقع می‌شوند؛ حتی در پی این عارضه برخی علائم فیزیکی ناشی از تنش‌های ذهنی نیز بروز پیدا می‌کند و در حقیقت این افراد به‌طور ناگهانی اعتقاد پیدا می‌کنند که توسط یک عامل خارجی بیمار شده‌اند. اگرچه اغلب موارد هراس جمعی در ابتدا به‌عنوان مسمومیت، حمله شیمیایی یا بیوتوربیسم تلقی می‌شود ولی بررسی‌ها هیچ اثری از توکسین یا عامل شیمیایی را نشان نمی‌دهد و آنها، موجب ایجاد هراس شده بودند و بدون کوچک‌ترین عوارضی بهبود می‌یابند.

این عارضه نه مختص مقطع فعلی و نه منحصر به کشور ما است. نمونه‌های تاریخی (از تاریخ قدیم و معاصر) و جغرافیایی (از قاره‌های مختلف جهان) و مصادیق فراوانی دارد. از جمله در سال‌های ۱۹۶۲ و ۲۰۰۸، انقلاب بر پروژه ضدملی اغتشاش خراب‌کاری و ایرانی‌کشی گذارند. اما ایستادگی سترگ ملت ایران و رهبری حکیمانه مقام معظم ولایت فقیه (مدظله‌العالی) و هوشیاری و فداکاری نیروهای حافظ امنیت کشور، بزرگترین پروژه براندازی خصم وحشی و جنگ ترکیبی را نقش بر آب کرد و سرمایه‌گذاری‌های سنگین مالی، اطلاعاتی و نیروی انسانی آنها را به «هیأ‌مثلا منثور» تبدیل نمود. بر مبنای اطلاعات موفق، رژیم مافیایی امریکا پس از تجزیه و تحلیل علل شکست بزرگ خود و تشخیص سه عامل ناگهی پروژه اغتشاشات، انتقام‌گیری از آن سه عامل را در سرلوحه اقدامات مخرب خویش قرار داد:

الف) از پیش به نقش رهبری حکیم انقلاب در ایستادگی و بالندگی نظام، واقف و ایشان را هدف تهاجمات ناجوانمردانه خویش قرار داده بودند. اینک حمله همه‌جانبه به معظم‌له و متهم‌سازی ایشان را در کلیه مسائل و رویدادهای کشور، در صدر توطئه‌های خویش قرار دادند.

ب) عدم همراهی قاطبه ملت با عوامل اغتشاشات پاییز را از دلایل عمده ناکامی آن پروژه تحلیل نمودند. بنابراین «خلق غائله‌ای دیگر که توده مردم را به ستونه آورد و به اعتراض وارد» در اولویت اقدامات شیطانی آنها قرار گرفت.

ج) هوشیاری، پابرداری، اشراف و فداکاری نیروهای حافظ امنیت کشور را از دلایل مؤثر در مهار جنگ همه‌جانبه و ترکیبی یافتند؛ لذا این بار همان مؤلفه اقتدار نظام یعنی امنیت و نیروهای حافظ آن را به‌عنوان هدف خاص خویش قرار دادند.

در این خصوص مواردی به اختصار یاد اشاره قرار می‌گردند:
۱-۶ هم‌زمان با پروژه اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱، نشانه‌هایی از تلاش عوامل دشمن برای هدف قرار دادن دانش‌آموزان (بویژه دختران) و به تعطیلی کشاندن مدارس مسمومیت‌های شده به‌عنوان مثال در تاریخ ششم آذر ماه ۱۴۰۱ و سه روز پیش از ادعای مسمومیت در مدارس قم، یکی از حساب‌های کاربری فعال ضدانقلاب، چگونگی تعطیلی مدارس از طریق تولید و انتشار بوی نامطلوب را ذیل پروژه‌های به نام «رهاکاری برای به اعتصاب کشاندن مدارس و ادارات» آموزش داده است. پس از آن یکی از حساب‌های کاربری حامی رژیم صهیونیستی خط «نفرستان د دانش‌آموزان به مدرسه» را ترویج کرده است. حساب کاربری دختران حامیان رژیم صهیونیستی، صبح روز نهم آذر ماه (روز اولین حادثه اعلامی استان قم) متنی تهدیدآمیز منتشر کرد و در آن متن به اقدامات دختران دبیرستانی محله خاصی در قم اشاره کرد و در همان روز آن را برای حساب کاربری «سرتابل به فارسی» و دیگر کانال‌های مورد بهره‌برداری رژیم صهیونیستی ارسال کرده بود.

بررسی‌های بعدی نشان دادند که رژیم‌های موجود نیز اشکال و صفحه مشخص مبادرت به ارتباط‌گیری و شبکه‌سازی در میان تعدادی از دانش‌آموزان مدارس اعلام‌کننده بدحالی در قم کرده بودند. شماری از عوامل مذکور شناسایی و پس از اثبات و مستندسازی ارتباط آنها با حساب‌های کاربری یادشده و نقشی کرده بودند، با حکم مرجع قضایی ذیربط بازداشت شدند. ادامه تحقیقات نشان داد که شبکه امریکایی- صهیونیستی موموم به «بازا دفاع از دموکراسی‌ها» در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، خط «نفرستان دانش‌آموزان به مدرسه» را دنبال کرده است. در مصادیق دیگر در اواخر مهر ماه، اشاره مستقیم عوامل دشمن به «مسمومیت دانش‌آموزان دختر بدون گذاشتن رد آشکار» در یکی از اتاق‌های خصوصی ضدانقلاب در کلاب‌هاوس کشف گردید.

پس از آن ده‌ها هزار پیام با مضمون جلوگیری از فرستادن دانش‌آموزان به مدارس، تعطیلی مدارس، تهدید و مسمومیت و هراس افکنی نسبت به مدارس، در سکوهای و شبکه‌های حساب‌های کاربری گروه‌های ضدانقلاب و عوامل رژیم صهیونیستی و ایادی داخلی آنها تولید و منتشر شد. ند.

۲-۶ امپراطوری رسانه‌ای جریان سلطه از همان آغاز، با شیوه و حجمی که بیانگر آمادگی قبلی می‌باشد، به صحنه ورود نموده و به موج‌فرزینی کم‌سابقه پیرامون موضوع و متهم‌سازی نظام به ناکالآمدی پرداختند و در نهایت نظام را به‌عنوان عامل ایجاد مسمومیت در مدارس دخترانه معرفی کردند؛ جریان تحریف با روایت‌سازی

مجمول، ادبیاتی همچون «حملات شیمیایی و بیولوژیک به مدارس» را تولید و ترویج کرد. علاوه بر آن به مشابهت‌سازی این رویدادها با حوادثی همچون برخی اسیدپاشی‌ها در گذشته و همانندسازی با برخی رفتارها و تصمیمات گروه طالبان در خصوص تحصیل و اشتغال زنان و تولید انگاره‌های ذهنی از «انتقام‌نظام از زنان به‌دلیل اغتشاشات پاییز۱۴۰۱ و…» پرداختند.

۳-۶ هم‌زمان با جریان مسلط رسانه‌ای اردوگاه دشمن، متأسفانه برخی رسانه‌های داخلی و مافیایی رسانه‌های وابسته و بعضی تریبون‌های خاص در مرکز و برخی استان‌ها و تعدادی از سیاسیون امتحان پس‌داده و مردود شده و عوامل فتنه ۸۸، همان خطوط ابلاغی امپراطوری رسانه‌ای جریان سلطه را، عیناً در پیش گرفتند. در میان این جاسمت، گروهی وجود دارند که پیش از این و در انتخابات سال ۸۸ نظام را متهم به تقلب، در حوادث ۹۶ و ۹۸ حاکمیت را متهم اصلی آشوب و عامل کشتار، در حادثه ترویرستی قجیع و دل‌نوازش حرم شاهچراغ (سلام‌الله علیه) نظام را عامل آن واقعه (حتی پس از شناسایی و بازداشت ترویرستی‌های تکفیری!) در رویداد تلخ درگذشت دختری در محل پلیس امنیت اخلاقی و در همه مجموعه اغتشاشات پس از آن و کشته شدن تعدادی از هوطنان، در همه این رویدادها و سوانح و حوادث، نظام مظلوم جمهوری اسلامی یا نیروهای سیاسی و جریانات معتقد و حامی نظام را به‌عنوان عامل مستقیم انجام جنایت معرفی می‌کردند. مضاف بر اینها، خط و جریان «کشته‌سازی» در کل و قایع پیش‌گفته، به‌دنیال تولید کشته و فراهم آوردن جسد، آن هم از دختران و ستین کودک و نوجوان، برای ایجاد تنش‌های عاطفی در جامعه و متهم‌سازی نظام بود. این جریان علاوه بر کشته‌سازی‌های متعدد و متنوع مقطع اغتشاشات ۱۴۰۱، در جریان مسمومیت‌های ادعایی مدارس، چندین تلاش پرحجم به‌عمل آورد که جلگی با شکست مواجه شدند. به‌عنوان نمونه فوت تأسف‌بار دختر نوجوان قمنی، در مرحومه فاطمه رضایی» یا اثر بیماری، موجب سوءاستفاده بی‌رحمانه و ناجوانمردانه جریانات معاند داخلی و خارجی شد. سرمایه‌گذاری برق آسیای برای این قضایا قرار گرفتند.

ج قطعاً شبکه انتشار مواد مسموم‌کننده در کشور، وجود دادند اما شبکه‌های متعدد در فضای مجازی (از داخل یا خارج از کشور) به مسمومیت مدارس، با ذوق‌زدگی رکورد فعالیت‌های پیشین خود را شکستند و تعداد انتشار هشتک به نام فاطمه رضایی، از سوزنه قبلی آنها پیشی گرفت. اما توضیحات صادقانه و بهنگام خانواده محترم رضایی، سبب رسوا شدن جریان معاند و شکست سنگین این پروژه گردید. این شکست چنان بود که ساعاتی پس از انتشار شایعه فوت آن مرحومه و واچ‌گیری متراش محتوا با نام وی، هشتک‌ها میرا شد. پس از این شکست، جریان ضدانقلاب بلافاصله هشتک‌های حمله شیمیایی و حمله بیولوژیک را جایگزین هشتک می‌گردانند؛

۴-۶ موضع گیری بیگانگان و سازمان‌های بین‌المللی: همچون همه فاعل‌های مورد علاقه یا تولید شده توسط بیگانگان، در ماجرای مسمومیت‌های ادعایی نیز پس از آتش تهیه سنگین توپخانه‌های جنگ رسانه‌ای غربی و ایادی آنها، مقامات و دیپلمات‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دنباله‌رو آنان وارد مصادق موموم به صرف نظر از دهما مسأله حاصل از روش‌های جمع‌آوری پنهان که از پشت پرده‌های اقدامات و اظهارات آنها در محفل خصوصی وجود دارد، صرف توجه به مواضع آشکار کانون‌های مورد اشاره نیز می‌تواند گویای ذوق‌زدگی از وقوع برخی رویدادها، مدارس و سوءاستفاده از آنها باشد. به‌عنوان نمونه سفیر انگلستان در تهران ضمن اعلام ظاهری همدردی با خانواده‌های ایرانی، بلافاصله سریالی بودن مسمومیت‌ها را القا می‌دهد (… مسمومیت‌های سریالی که تمامی ندارد!)

نمونه دیگر، اظهارات وزیر خارجه آلمان بود که دلیل مسمومیت‌های ادعایی را «حملات با گاز شیمیایی» تشخیص و اعلام می‌نماید! البته حافظه تاریخ ملت ایران با تخصص دولت آلمان در تولید و بهره‌برداری از گازهای شیمیایی در تسلیحات نامتعارف و صدور آن برای بحثی‌ها در زمان حمله آنها به ایران، کاملاً آشنا است. از همین دست، قفاوت رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان رژیم مافیایی امریکا است که او نیز عمدی

بیودن اتفاقات و گاز سمی بودن مواد را ادعا می‌نماید.

پارلمان اروپا در اسفندماه گذشته با تصویب قطعنامه‌ای ضمن طرح اتهامات واھی و بی‌اساس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، مسمومیت دانش‌آموزان دختر در ایران را به «ساکت‌کردن زنان و دختران در ایران» مرتبط دانسته و آن را محکوم می‌نماید!

کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل بر ضرورت «تحقیقات شفاف و مجازات عادلان مسمومیت دانش‌آموزان در ایران» تأکید می‌نماید. فارغ از اینکه مراجع قضایی ایران هر جنبه‌ای‌نگاری را محاکمه و مجازات نماید، همین دار و دسته ریاکار به حمایت از محکومان و جنایتکاران برمی‌خیزند. این قبیل اعلام نگرانی‌ها و همدردی‌های مزورانه در حالی است که دولت همه عملیات ترویرستی گذشته علیه ملت مظلوم ایران در خاک امریکا، اروپا و کانادا حضور دارند و تحت‌الحماهی رسمی دولت‌های آن کشورها هستند. مضاف بر این، هم اینک و در شرافتمندانه «آموزش می‌دهند و این اعمال مجرمانه رسماً به اطلاع رژیم‌های یادشده رسیده، اما آنها نه تنها هیچ اقدام بازدارنده‌ای به عمل نیاورده‌اند، بلکه جرمین را هرچه بیشتر تحت حمایت می‌دهند و امنیتی خویش قرار داده‌اند.

۷- سخن آخر و جمع‌بندی پایانی:

۱-۷ نتیجه نهایی تحقیقات پیرامون موارد مجهولی که در ابتدا هدف‌گذاری شدند به این شرح است:

الف) سواد سمی در هیچ‌یک از مدارس کشور پخش نشده است؛ اما عوامل غیرسعی که موجب ایجاد هراس شده‌اند، به‌طور سهوی یا عمدی در برخی از محیط‌های گزارش شده استعمال شده است.

ب) در خصوص عوامل انسانی، افراد متعددی که متهم به کاربست مواد فوق‌الذکر بودند شناسایی، احضار و بازداشت شدند و به تناسب تخلفات یا جرایم خود، مورد تذکر، تشکیل سابقه یا معرفی به مرجع محترم قضایا قرار گرفتند.

ج قطعاً شبکه انتشار مواد مسموم‌کننده در کشور، وجود دادند اما شبکه‌های متعدد در فضای مجازی (از داخل یا خارج از کشور)

به مسمومیت مدارس، با ذوق‌زدگی رکورد فعالیت‌های پیشین خود را شکستند و تعداد انتشار هشتک به نام فاطمه رضایی، از سوزنه قبلی آنها پیشی گرفت. اما توضیحات صادقانه و بهنگام خانواده محترم رضایی، سبب رسوا شدن جریان معاند و شکست سنگین این پروژه گردید. این شکست چنان بود که ساعاتی پس از انتشار شایعه فوت آن مرحومه و واچ‌گیری متراش محتوا با نام وی، هشتک‌ها میرا شد. پس از این شکست، جریان ضدانقلاب بلافاصله هشتک‌های حمله شیمیایی و حمله بیولوژیک را جایگزین هشتک می‌گردانند؛

۳-۷ ایفای نقش دشمن در دامن‌زدن به غائله، کاملاً محرز و انکارناپذیر است. اعم از افراد، کانون‌ها، گروه‌ها و حساب‌های کاربری و رسانه‌های جریان مسلط رسانه‌ای غربی (به‌ویژه فارسی‌زبان‌ها) که در چند ماه گذشته این موضوع را هدف سوزنه اصلی خویش قرار داده بودند و نیز تعدادی از سیاسیون بیگانه و نهادهای خارجی و سازمان‌های بین‌المللی که نقش آتش‌پز مرمکه را ایفا کردند، هریک حلقه‌ای از زنجیره جنگ ترکیبی را تشکیل دادند.

۴-۷ با توجه به مجموعه آثار منفی و مخرب موضوع مسمومیت‌های ادعایی بر جامعه بویژه بر دانش‌آموزان و نوزنان کشور و اولیای محترم آنها و بر درس و تحصیل و تلاش‌های علمی کشور، اردون قطعی نظام بر برخورد جدی و بدون اغماض با عوامل دامن‌زننده به آن می‌باشد. **۷-۷** حق پیگرد قانونی افراد، گروه‌ها، رسانه‌ها و انسان‌رسانه‌های وابسته و که در امتداد خط دشمنان ملت ایران، اتهاماتی به نظام یا به افراد و جریانات بی‌گناه وارد کردند، محفوظ خواهد بود.

۷-۶ از آنجا که دشمنان ایران و اسلام در هر صورت و به هر شکلی دشمنی خود را بروز می‌دهند، از مردم شریف ایران، بویژه از اولیای محترم دانش‌آموزان استعدا دارد که همچون گذشته، با حفظ آرامش و هوشیاری حد اکثری، هرگونه موارد مشکوک را به ستاد خبری وزارت اطلاعات (۱۳۳) یا به سایر دستگاه‌های امنیتی و انتظامی کشور اعلام فرمایند.